

نفتاب

گاهنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نفتاب شماره ۱۳ | ویژه نامه کنکور

مصوبه کنکوری شورای عالی انقبلا بفرهنگی

اجرا می شوند یا خیر؟

مصاحبه با دکتر مهدی واحدی
معاونت دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی



شناسنامه اثر

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده و
علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر مسئول و سردبیر:
فاطمه قدیمی

ویراستاران:

فاطمه قدیمی، زهرا صیدی

صفحه آرا:

فاطمه قدیمی

هیئت تحریریه:

فاطمه رعنائی، مریم طاهری، فاطمه قدیمی، زینب
اعرابی، زهرا شهیدی

طراح جلد:

فاطمه رعنائی

فهرست عناوین

سرگذشت کنکور

ابزاری برای سنجش
یا رنجش؟!

مصوبه کنکوری شورا
عالی انقلاب فرهنگی

انجمن اسلامی
دانشجویان
مستقل چه کرد؟

سرگذشت کنکور در ایران

بررسی تاریخچه برگزاری کنکور سراسری در ایران

مریم طاهری | عضو فعال دانشکده

پذیرش دانشجو می‌کرد اما سنجش و پذیرش دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۴۲، بر عهده «هیئت مسابقات ورودی دانشگاه‌ها» گذاشته شد. «مسابقه‌ای» که بعدها «کنکور» نام گرفت.

سوالات اولین کنکور سراسری

در دهه ۴۰ دانشگاه‌های جدیدی از راه رسیدند؛ از جمله دانشگاه صنعتی آریامهر سابق (صنعتی شریف فعلی) و دانشگاه رضائیه سابق (ارومیه فعلی). تب تحصیلات دانشگاهی هم در جامعه مدام بالا میرفت و کنکور سراسری همچنان روشی مناسب برای پذیرش دانشجو به نظر می‌رسید. با تأسیس وزارت علوم و راه‌اندازی واحدی با نام مرکز «آزمون شناسی» در سال ۱۳۴۷، دوباره برگزاری کنکور سراسری در دستور کار قرار گرفت و در سال ۱۳۴۸ عملیاتی شد. با تأسیس وزارت علوم و راه‌اندازی مرکز مرکز آزمون شناسی، مقرر شد که این گزینش به صورت سراسری صورت گیرد. اولین کنکور رسمی در ایران، روز چهارشنبه ۱۵ مرداد سال ۴۸ با شرکت ۴۷ هزار و ۷۰۳ نفر برگزار شد و داوطلبان برای حضور در ۱۲ دانشگاه و در ۳۰ رشته تحصیلی با یکدیگر به رقابت پرداختند. این آزمون، به صورت سؤالات پاسخ کوتاه (به جای تستی) برگزار شد و داوطلبان همزمان با آزمون ۱۰ رشته را انتخاب کردند. نکته مهم این بود که منابع سؤالات ناشناخته بود و داوطلبانی که از امتحان بیرون آمدند، نخستین نسل ایرانی‌هایی بودند که سختی کنکور را درک کردند. از آن پس کنکور به طور مرتب برگزار شد و به همین دلیل آزمون سراسری سال ۴۸ نخستین کنکور رسمی ایران معرفی می‌شود. در واقع با اینکه سؤالات در آن دوره بر اساس سؤالات امتحانات سال‌های قبل بود، اما

کنکور برای اولین بار در ایران به دلیل تعداد زیاد متقاضیان برای ورود به رشته پزشکی به صورت آزمون هماهنگ در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران برگزار شد. پس از آن دانشکده‌های حقوق و فنی نیز امتحان ورودی برگزار کردند. در آن زمان شرایط چنین بود که اغلب متقاضیان ورود به دانشگاه، ابتدا در امتحان دانشکده پزشکی شرکت می‌کردند و اگر رتبه قابل قبول کسب نمی‌کردند، به سراغ باقی رشته‌ها و دانشکده‌ها می‌رفتند. سال‌ها وضعیت بر همین منوال بود تا اینکه در سال ۱۳۴۱، قرار شد امتحانی سراسری برای دانشگاه‌ها برگزار شود. مشکل این امر این بود که متقاضیان باید بارها از سراسر ایران به تهران یا سایر شهرها سفر می‌کردند تا در امتحانات دانشکده‌های مختلف شرکت کنند.

برای رفع این مشکل و با ایده برگزاری امتحانی با کیفیت بالاتر برای تعیین دقیق‌تر سطح علمی افراد، نخستین امتحان سراسری دانشگاه‌ها، در سال ۱۳۴۲ برگزار شد؛ که در واقع نخستین کنکور در تاریخ نظام آموزشی ایران است. این کنکور را هیئت مسابقات ورودی دانشگاه‌ها که هیئتی تازه تأسیس از اساتید و مسئولان دانشگاه‌های ایران بودند، برگزار می‌کردند تا اینکه شیوه برگزاری کنکور و مشکلاتی که برای هماهنگی‌ها پیش می‌آمد با انتقاد جامعه علمی مواجه شد و مجدد وضعیت به روال سابق بازگشت.

در واقع تا قبل از سال تحصیلی ۱۳۴۲، هر دانشگاه با گرفتن امتحان ورودی، اقدام به

شیوه مزبور عاری از عیب و نارسایی نبود. در این روش تحصیلات قبل داوطلب به صورت سؤالات کوتاه جواب که برایش نا آشنا بود، مورد امتحان قرار می‌گرفت و پذیرفته‌شدگان بدون اینکه نتیجه آزمون خود را بدانند ضمن امتحان نسبت به انتخاب رشته مبادرت می‌کردند.

تأسیس سازمان سنجش و آموزش کشور

در سال ۱۳۵۴ با تأسیس سازمان سنجش و آموزش کشور به جای مرکز آزمون شناسی، کنکور در ایران وارد مرحله‌ای جدید شد. از آن سال معدل امتحانات نهایی ششم متوسطه و نوع مدرک (دیپلم ریاضی، طبیعی و ادبی)، جنسیت، وضعیت نظام وظیفه و سهمیه منطقه نیز در قبولی کنکور تأثیر داشت. البته در سال ۵۷ این شرایط دیگر اعمال نشد و داوطلبان این آزمون در بحبوحه تحولات انقلاب اسلامی قرار گرفتند اما با این وجود کنکور در سال ۵۸ هم برگزار شد اما پس از آن این آزمون نیز همزمان با تعطیلی دانشگاه‌ها در پی انقلاب فرهنگی تعطیل شد. تا اینکه سال ۶۱ مجدداً کنکور در رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی،

الهیات و معارف اسلامی برگزار شد. سهمیه‌ها نیز از همین سال آمدند؛ سهمیه مناطق، رزمندگان و... در این بین دانشگاه آزاد هم در همین سال تأسیس شد. طی سال‌های بعد با توجه به رشد جمعیت، ظرفیت دانشگاه‌های دولتی و تعداد رشته‌ها افزایش یافت و کنکور مدام به مسابقه‌ای بزرگتر و حساس‌تر تبدیل می‌شد. به دلیل تقاضای فزاینده برای ورود به دانشگاه، به تدریج دانشگاه‌های پیام نور، شبانه، غیرانتفاعی و مراکز تربیت معلم به ظرفیت پذیرش دانشجویان افزوده شدند و کنکور هر سال با داوطلبان بیشتری برای تحصیل در رشته‌های بیشتر برگزار شد تا اینکه داوطلبان کنکور در دهه‌های به اخیر به یک میلیون نفر افزایش یافت.

تغییر آزمون ورودی دانشگاه در دهه ۷۰ و بعد از آن

ایجاد دانشگاه‌های آزاد و بالا بودن تعداد داوطلبان، سبب اعمال تغییراتی در آزمون سراسری شد. پس از آن، کنکور به دو قسمت تقسیم شد؛ یک آزمون مختص به دانشگاه‌های سراسری و دیگری صرفاً برای ثبت‌نام در واحدهای دانشگاه آزاد. متقاضیان آن دوره برای اطمینان قبولی در یک دانشگاه در هر دو آزمون شرکت می‌کردند. البته بعد از سال ۹۰، کنکور تنها به یک آزمون سراسری کاهش یافت و همچنین تا کنکور ماده‌ها و تبصره‌های زیادی برای کنکور بر روی کاغذ نوشته شد که تقریباً یا عملی نشدند یا پس از مدتی لغو گردیدند.



ابزاری برای سنجش یا رنجش!؟

بررسی معایب و معضلات موجود در برگزاری آزمون سراسری به شیوه فعلی

فاطمه رعنائی | عضو فعال دانشکده

در ایران سالیانه برای ورود به دانشگاه آزمونی به نام کنکور برگزار می‌شود. اگرچه این آزمون باید ابزار و معیاری برای سنجش عادلانه و صحیح دانش‌آموزان در جهت ورود به دانشگاه‌ها باشد اما آنچه که امروز در نظام آموزشی کشور از کنکور می‌بینیم، فضایی است که خود نقض‌کننده‌ی این اهداف است. هرچند ایرادات وارد بر کنکور تمام‌شدنی نیست اما سوال این است که مهم‌ترین موانع و معضلاتی که در مسیر این نابرابری قرار گرفته است، چیست؟

جولان مافیای کنکور

امروزه دانش‌آموزان در بدو ورود به دبیرستان، برچسبی تحت عنوان «کنکوری» بر پیشانی‌شان زده می‌شود و از همان ابتدا سایه سنگین کنکور، تنش و استرس را جایگزین نشاط و آرامش دوران نوجوانی می‌سازد. آنچه بیشتر از خود کنکور، روان دانش‌آموزان را مخدوش می‌کند؛ بحث تبلیغات و جو ناشی از آن است. مدارس به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی به جای آن که برنامه‌هایی برای پرورش استعدادها و آموزش مهارت به دانش‌آموزان داشته باشند، به قبولی دانش‌آموزان در کنکور و آموزش مهارت تست‌زنی اهمیت می‌دهند. آموزشگاه‌ها و مدارس، امروزه کنکور را وسیله ای برای تثبیت جایگاه خود قرار داده‌اند؛ به صورتی که هرچه میزان قبولی بیشتر باشد؛

مدرسه و آموزشگاه شاخص‌تر است و در نتیجه منفعت و سود بیشتر را برای این مراکز به همراه خواهد داشت؛ تبلیغات ناشی از این فضا به حدی است که دانش‌آموزان را به این دید می‌رساند که برای قبولی حتماً به این منابع نیازمند است و در نتیجه نبود این امکانات، سلامت روانی آن‌ها به خطر خواهد افتاد. متأسفانه با توجه به سطح سوالات کنکور، روش سنجش نادرست و تست‌محور بودن آن، نمی‌توان تأثیر اینگونه منابع را انکار کرد.

از طرفی هزینه این امکانات به گونه‌ای نیست که تمامی خانواده‌ها از پس پرداخت آن برآیند. این مؤسسات نه تنها به تحقق عدالت آموزشی کمکی نمی‌کنند، بلکه امروزه نوعی تجارت و بازار رقابتی را در فضای کنکور پدید آورده و شکاف بین فقیر و غنی را افزون کرده‌اند. به عنوان گواه بر تأثیر این موضوع می‌توان به این مورد اشاره کرد که در سال‌های اخیر اغلب رتبه‌های برتر کنکور از مدارس غیرانتفاعی بوده‌اند.

سؤال اینجاست که چرا سیاست‌گذاران آموزشی، نظارتی صحیح بر این سازوکارها ندارند؟ نهادهای بالادستی موظف هستند چارچوب‌هایی محکم برای فعالیت این مؤسسات در نظر بگیرند و یا خود دست به تأسیس مؤسسات دولتی با این اهداف بزنند. همچنین تسهیلاتی رایگان را در اختیار دانش‌آموزان کم‌بضاعت قرار دهند.

استعدادکشی

یکی دیگر از مسائلی که تحت تأثیر کنکور قرار دارد، مسئله نادیده گرفته شدن استعداد



به جای افراد متخصص، افرادی نالایق در حیطه‌های مختلف علمی به جامعه معرفی می‌شوند.

در رابطه با این موضوع، تا کنون اعتراضات زیادی شده است؛ تخصیص سهمیه به فرزندان هیئت علمی در کنکور، همواره این سؤال را در پی داشت که آیا عدالت آموزشی با این سهمیه سازگار است و اصلاً چه ملاکی برای توجیه عادلانه بودن این سهمیه وجود دارد؟ که البته بنا بر اعتراضات گسترده نسبت به این مسئله، سهمیه مذکور حذف گردید. در حال حاضر با توجه به آخرین کنکور برگزار شده در کشور، سهمیه‌های موجود، سهمیه مناطق، سهمیه ایثارگران و خانواده شهدا، سهمیه بهیاران و سهمیه دارنده‌گان مدال المپیاد می‌باشد که شاید عادلانه‌ترین سهمیه، سهمیه المپیاد باشد در مورد سهمیه ایثارگران و شهدا نیز اگرچه در برخی از این خانواده‌ها شرایط سخت و نامطلوبی وجود دارد و وجود این سهمیه هم بر همین مبنا است اما به طور کلی و در راستای تحقق عدالت آموزشی بهتر است کمک‌های مالی‌ای که صرفاً به هزینه‌های آموزش تخصیص پیدا کرده جایگزین این سهمیه شود و در کنکور افراد بر مبنای توانایی علمی خود سنجیده شوند.

واقعی دانش‌آموز و گم شدن آن در میان انبوهی از تست است. شیوه سنجش مبتنی بر کنکور سبب می‌شود در مدارس عناوین خلاقیت و علاقه به رسمیت شناخته نشود و در اغلب موارد نگاه حاکم بر جامعه این است که نتیجه کنکور مساوی است با رقم زدن سرنوشت؛ پس باید فقط درس خواند. این دیدگاه سبب تحویل دادن جوان‌هایی تئوریک و مشابه یکدیگر به جامعه می‌گردد. در ارتباط با این مسئله، مهم‌ترین نقش اثرگذار، نهاد خانواده است؛ نگاه درست این است که والدین به فرزند خود اعتماد کنند و شناخت علایق و استعدادهای فرزندشان را در اولویت قرار دهند.

سهمیه‌های نا عادلانه

در میان انبوه سهمیه‌هایی که در کنکور برای عدالت آموزشی اعمال می‌شود، دسته‌ای از سهمیه‌ها وجود دارند که بالعکس به بازتولید ناعدالتی نیز می‌انجامد. سهمیه‌هایی این چنینی جدای از نابرابری، موجب می‌شود افرادی که شایستگی‌های علمی لازم را ندارند در دانشگاه‌های رده بالای کشور به تحصیل بپردازند و همچنین کیفیت آموزش را در این دانشگاه‌ها تحت تأثیر قرار دهند و در نتیجه

مصوبه کنکوری شورا عالی انقلاب فرهنگی

مصاحبه با دکتر واحدی در زمینه مصوبه کنکوری شورا عالی انقلاب فرهنگی

زینب اعرابی و زهرا شهیدی | اعضا فعال انجمن



که شکل فعلی کنکور مطلوب نیست و در این موضوع هم جای بحث نیست. این اتفاق نظر وجود دارد و باید وضع نظام پذیرش در دانشگاه‌ها تغییر پیدا کند. لذا هدف اول ساماندهی اوضاع نظام سنجش و پذیرش در دانشگاه‌ها بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظر داشت.

کاستن از فشار روانی و فشار تحصیلی که برآمده از وضعیت فعلی کنکور در کشور است، هدف قابل توجهی است که این موضوع در نکاتی که دبیر شورای عالی و دبیر نقشه جامع علمی کشور که عضو شورای عالی هستند، بیان کردند وجود دارد که حرف درستی است. هر طرحی که بتواند این فشار را از متقاضیان ورود به آموزش عالی کم بکند کار صحیحی است که جزء اهداف شورا هم بوده است. نکته بعدی دخیل کردن دوران تحصیلی در بحث ارزیابی و ورود به دانشگاه است که به نظر می‌رسد هدف درستی است. این سالیان طولانی‌ای که کوه دانش آموزان ما تحصیل می‌کنند طبیعتاً باید حداقل بخشی از آن مستقیماً در پذیرش آن‌ها در دانشگاه‌ها نقش داشته باشد که با این مصوبه سه سال پایانی دوره متوسطه به صورت در نظر گرفتن معدل این سه سال نقش ایفا می‌کند.

شاید هدف جزئی دیگر این مصوبه، کاستن از تاثیر قطعی آزمون چند ساعته‌ای است که علی‌رغم استانداردهایی که دارد ولی اشکالاتی بر آن وارد هست. احتمالات گوناگونی وجود دارد دال بر اینکه بنا به شرایط روحی، جسمی و مسائل مختلفی که می‌تواند دخالت داشته باشد سرنوشت متقاضی ورود به دانشگاه در گره زدن به آزمون دو یا سه ساعته کار

عقلانه‌ای نیست و فشار بسیار زیادی به افراد و خانواده‌ها تحمیل می‌کند. لذا به نظر می‌رسد آن اهداف اصلی که شورای عالی انقلاب فرهنگی بنای تحقق آن‌ها را دارد باعث شده که به مسئله کنکور ورود پیدا کند.

۲. معایب این مصوبه چیست؟ این معایب انقدر بزرگ هستند که بتواند جلوی اجرایی شدن این مصوبه را بگیرد یا اینکه معایب جزئی هستند که با انجام دادن یکسری امور برطرف می‌شوند؟

راه‌حل ارائه شده فشار روانی کنکور را کم می‌کند ولی آن را در سال‌های پایانی دوره متوسطه توزیع می‌کند. یعنی همان قدری که کنکور در سال پایانی تحصیلی دانش آموزان فشار روانی ایجاد می‌کرد این فشار توزیع در سه سال آخر توزیع می‌شود، البته کنکور هم با تاثیر ۴۰ درصدی کماکان سر جای خودش هست. با توجه به تجاربی که در کشور وجود دارد معمولاً مؤسسات کنکوری و مدارس خاص به‌خاطر منافعی که دارند عموماً به شرایط دامن می‌زنند و الزاماً آن‌چه که جزء اهداف قابل دفاع مصوبه هست را تخریب می‌کنند. این نگرانی وجود دارد که در سه سال پایانی آموزش و پرورش فشار روانی امتحانات پایانی بسیار افزایش پیدا خواهد کرد.

نکته دوم روشن نبودن چگونگی کنترل عدالت در ارزیابی‌های سه ساله دوره متوسطه است بحث نمره‌دهی و امنیت آزمون و امثال این‌ها است. فکر می‌کنم در آینده اگر این مصوبه اجرا شود شاهد پیچیده‌تر شدن نظارت و شاید خدشه‌دار شدن عدالت آموزشی باشیم. به هر حال وقتی که این مسابقه اصطلاحاً از یک آزمون سه چهار ساعته، دامنه آن به سه سال گسترش پیدا می‌کند و ۶۰ درصد تعیین‌کنندگی را معدل‌های این سه سال داشته باشند، طبیعی است که مناطق محروم و مدارس دولتی معمولی به‌دلیل کمتر برخورداری از مجموعه عواملی که دست‌به‌دست هم می‌دهند تا در برخی از مدارس خاص معدل‌ها

معدل‌های بالایی بشود به‌نظر می‌رسد حقوق آن‌ها احتمال ضایع شدنش وجود دارد و ما روی خطی با این مصوبه حرکت می‌کنیم که اگر مراقبت نشود عدالت آموزشی بیش از پیش خدشه‌دار خواهد شد. باتوجه به سوابق خیلی نگران این بحث هستیم. چون به هر حال مصوبات خوب همیشه وجود دارد ولی متأسفانه مراقبت در اجرای آن کم‌تر اتفاق می‌افتد و بعد نتایجی که حاصل می‌شود یا آنچه که در عمل محقق می‌شود نقض غرض می‌شود. نکته بعدی دست‌کم اکنون که توضیحات پیرامون این مصوبه شفاف نیست احتمال سوءاستفاده برخی از دانشگاه‌ها از موضوع شرط معدل است. وقتی معدل یکی از شروط می‌شود، دانشگاه‌های پرتقاضا و رشته‌های پرتقاضا در دانشگاه‌های معتبر این اختیار به دانشگاه‌ها داده می‌شود که شرط معدل بگذارند. اگر سازوکار و قاعده و قانون خوبی برای این موضوع چیده نشود می‌تواند به یک رقابت ناسالم و سوءاستفاده احتمالی برخی از دانشگاه‌ها برای ارتقاء جایگاه‌شان منجر بشود.

نکته بعدی، به خود کنکور محوری اشکال وارد کنیم به این جهت که کنکور باعث شده که موضوع تربیت به حاشیه برود. خصوصاً در دوره متوسطه اول و دوم در این ۶ سال موضوع تربیت و بعضی از دروس که هم جنبه مهارتی، تربیتی و پرورشی دارند خیلی بهشان بی‌توجهی می‌شود و معیارهایی که به اذهان و افکار عمومی والدین حتی خود معلمان یعنی جامعه تعلیم و تربیت و پیش از همه مؤسسات کنکوری دامن می‌زنند. در واقع مهارت‌های تست‌زنی و درس‌هایی که ضریب بیش‌تری دارند و این موضوعات هست و موضوع تربیت و پرورش در حاشیه قرار گرفته است.

به‌نظر می‌رسد که این مصوبه کمکی به رفع این نقد به وضع فعلی نمی‌کند. یعنی باز در سه سال پایانی متوسطه به‌جهت اینکه

معدل یعنی یک عدد اهمیت پیدا می‌کند، محفوظات است که جایگاه پیدا می‌کند و این با اصل اساسی اینکه یکی از مهم‌ترین وظایف آموزش و پرورش کارکردهای تربیتی آن و ایجاد شرایطی است که افراد در واقع تربیت بشوند برای جامعه مطلوب مطابق با ترازهای مورد نظر یک جامعه دینی می‌تواند خدشه وارد بکند. همین موضوع باعث می‌شود که موضوع عدد و معدل. نقد دیگر این هست که دامن زده می‌شود شاید بیش از گذشته حتی به رقابت ناسالم مدارس در موضوع معدل. مثلاً می بینیم که مدارس در تبلیغ خودشان تعداد پذیرفته‌شدگانشان و رتبه‌هایشان را بیان می‌کنند چه بسا با این مصوبه موضوع معدل به عنوان معیار برتر بودن مدرسه و آیتمی برای جلب مشتریان بیش‌تر در مدرسه غیردولتی یا دولتی خاص و مدارس پولی و… خواهد بود. این‌ها ابهاماتی است که من خیلی تحت عنوان معایب نمی‌خواهم نام ببرم چون همین‌که شورای عالی انقلاب فرهنگی اراده کرده ورود بکند به مسئله‌ای که واقعا چالش‌های فراوانی دارد حتی خود ورود هم جرئتی می‌طلبد و همین ورود هم حالت تقدیر و تحسین هست ولی این ابهامات نسبت به مصوباتشان وجود دارد.

۳. این مصوبه به آموزش و پرورش مرتبط هست و آموزش و پرورش خودشان باید یک بروزرسانی انجام بدهند و یک‌سری از امور را باید برعهده بگیرد، آیا آموزش و پرورش یا نظام آموزشی این زیرساخت را دارد که از سال ۱۴۰۲ این مصوبه اجرا شود یا خیر؟

به زیرساخت‌های آموزش و پرورش اشاره کردید که چقدر آماده است فکر می‌کنم در حال حاضر چندان آمادگی مطلوبی وجود ندارد چون این مصوبه فضایی را ترسیم می‌کند که تحقق مطلوب آن لازمه‌اش این است که آموزش و پرورش بسترسازی مناسبی کرده باشد.

اگر وضعیت فعلی تغییری نکند و آمادگی کسب نشود هر مصوبه مناسبی هم بیاید در عمل دچار اشکالات و شکست‌هایی می‌شود. در آموزش و

پرورش با توجه به این مصوبه نیازمند تعریف یک‌سری ساز و کارهای جدید هستیم. ساز و کارهایی که فرایندهای آموزش و پرورش را با این مصوبه متناسب بکند. مثلاً به موضوع هدایت تحصیلی باید روشمندتر و جدی‌تر پرداخته بشود یا سازوکارهای آزمون‌های استاندارد چون قرار شده که معدل این سه سال مورد توجه قرار بگیرد.

عدالت موضوع بسیار مهمی است در این آزمون‌سازی‌ها به‌خاطر اینکه به هر حال خود کنکور هم از استاندارد بالایی برخوردار است و رفته رفته چنان گرفتار برخی پدیده‌ها شد که بچه‌هایی هستند که امروز اساساً کتاب را خیلی مطالعه نمی‌کنند بلکه تولیدات محتوایی که موسسات کنکوری بر اساس تجربه سالیانتمادی به‌دست آورده‌اند و مهارت‌های تست‌زنی و غیره و ذلک را به این‌ها آموزش می‌دهند و واقعا از محتوا تهی است اما می‌توانند بروند کنکور بدهند و رتبه و نمره خوبی هم بیاورند. برای اینکه این اتفاق نیافتد در این سه سال پایانی دوره متوسطه آموزش و پرورش باید نسبت به بازتعریف آزمون‌های پایانی اقدام بکند و سازوکارهای مبتنی بر عدالت نمره‌دهی را هم تضمین کند. چون امتحان‌ها تشریحی است تصحیح امتحانات تشریحی بسیار وابسته به تصحیح‌کننده است و می‌تواند مقداری ان‌قلت‌هایی را با خودش همراه بکند. باید سازوکاری قابل قبولی برای این موضوع دیده بشود.

نکته بعدی که جزء زیرساخت‌های لازم هست اندیشیدن برای نظام توزیع عادلانه معلمان با کیفیت در سراسر کشور است و این معلمان هستند که کمک و زمینه‌سازی می‌کنند که موفقیت دانش آموز در امتحانات پایانی تضمین شود و هرچه مدرسه و منطقه‌ای برخوردارتر از معلمان توانا و باکیفیت باشد انتظار می‌رود که خروجی‌ها در امتحانات هم باکیفیت‌تر باشد. الان شرایطی که داریم می‌بینیم معلمان باکیفیت جذب مدارس خاص می‌شوند. چون آورده‌های مالی برای آن‌ها ایجاد می‌کنند و طبیعی است که مدارس معمولی، مدارس مناطق محروم و

مدارس دولتی معمولی از معلمان معمولی هم برخوردارند. اساساً مبلغی که والدین می‌دهند برای مدارس خاص، پول آن معلمان خاص است که می‌دهند.

اگر این نظام توزیع عادلانه معلمان باکیفیت اتفاق نیافتد خودش رهن این مصوبه خواهد بود. البته توزیع عادلانه یا تجهیز عادلانه مدارس به امکانات مختلف هم یکی از زیرساخت‌هایی است که باید اتفاق بیافتد.

۴. طبق سخنان مقام معظم رهبری و قانون فقط مصوبه‌هایی اجرایی می‌شوند که توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده باشند، الان شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌تنهایی یک مصوبه را به تصویب رساندند و مدعی اجرایی‌شدن آن هم هستند، درحالی که مجلس در این امر دخیل نبوده است. ما صحبت‌های زیادی در این مورد می‌شنویم و آقای پورعباس هم صحبت‌هایی در این مورد گفته‌اند که داریم کنکور را از این رو به آن رو می‌کنیم که با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم‌جهت بود. مگر ما نمی‌گوییم که باید در مجلس به تصویب برسد، پس چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای برای آزمون به این بزرگی به تصویب رسانده و این اجازه را از چه ارگان یا شخصی آورده است؟ آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی بالاخره شان قانون‌گذاری دارد؟ این با شان مجلس تداخل دارد یا نه بالاخره چه کسی این اختیار را به شورا داده و می‌تواند این کار را بکند یا خیر؟ واقعیتش این است که یک مقداری محل اختلاف است.

اولاً شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای فراقوه‌ای است و رُسّای سه قوه در آن عضویت دارند و یک جایگاه بالادستی دارد در این هیچ شکی نیست و مصوبات شورا حکم قانون را دارد. اساساً می‌دانید اگر مجلس قانونی را تصویب کند که برخلاف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد شورای‌نگهبان آن را رد می‌کند این نشان‌دهنده جایگاه شورا است. اما بالاخره قوه قانون‌گذار کشور مجلس است و این توقع را دارد که او قانون‌گذاری بکند.

منتها این وضعیتی است که باید حقوقدانان به آن بپردازند و این تعارضات را به لحاظ حقوقی و مبتنی بر قانون اساسی بتوانند حل و فصل کنند اما الان مسئله‌ای که وجود دارد این است که چه کسی زودتر به موضوع کنکور ورود کرده قوانینش اولویت‌دارتر است و حق ورود او بیشتر است. مجلس معتقد است در مقطعی ورود کرده به موضوع کنکور و آن قانون باید مبنا قرار بگیرد اما شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقد است که از سال ۶۳ اساساً من ورود کردم به کنکور و مصوباتی داشتم باز دوباره ۶۷ اصلاحاتی خورده و به‌نظر می‌رسد که این موضوع اساساً حل نخواهد شد چون هر کدامشان برای خودشان استقلال‌هایی دارند موضوع شاید از باب حقوقی کاملاً تخصصی است و حقوقدان‌ها باید ورود بکنند اما مصلحت در این هست که کمیسیون آموزش مجلس یکی از جایگاه‌های بسیار موثر و نقش آفرین در مصوبات حوزه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد به هر حال مجلس به تعبیر حضرت امام عصاره‌ی ملت هست چون از اقصی نقاط کشور نماینده دارد و مردم در آنجا نمایندگانی دارند جایگاه بالایی دارد و باید شان اینکه کل کشور را نمایندگی می‌کند را حفظ شود. در تعامل مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید مصوبه‌ای در نهایت بیرون بیاید که همه از آن حمایت بکنند یعنی طوری نباشد که شورا مصوبه‌ای داشته باشد که مجلس منتقد آن باشد یا مثلاً مجلس برای خودش کاری بکند که شورا آن را تایید نکند یا مثلاً دولت حاضر به اجرای آن نباشد.

به‌نظر می‌رسد که ایجاد تفاهم و توافق و همکاری متقابل لازمه موفقیت هر طرحی است هر مصوبه‌ای است که در مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی بناست که مصوب شود.

آنچه در انجمن اسلامی دانشجویان مستقل گذشت!

بررسی عملکرد انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده روانشناسی در حوزه کنکور

فاطمه قدیمی | دبیر دانشکده

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده روانشناسی به جهت اهمیت مطالبه‌گری و تأکید مقام معظم رهبری اهمیت نظام آموزشی کشور و لزوم تحقق عدالت آموزشی، امسال به بحث مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخته است و در این زمینه فعالیت‌های گوناگونی انجام داده است:



- برگزاری دو نشست با حضور مخالفان و موافقان، طراحان مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی و کارشناسان این حوزه . در این نشست نقاط قوت و نقاط ضعف مصوبه مذکور مطرح شد و راه‌حلی برای اجرای هرچه بهتر این مصوبه ارائه گردید.

- برگزاری ۸ جلسه موضوع محوری با حضور اساتید هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسان و مسئولین حوزه آ.پ. در این جلسات به اهمیت موضوع کنکور، ارائه راه‌حلی برای رفع معضلات این آزمون و در نهایت به بررسی مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخته شد.

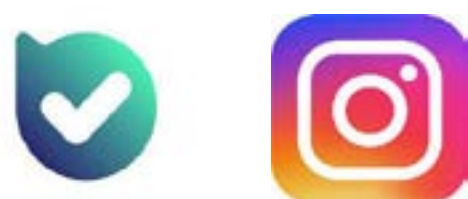


- برگزاری جلسه با دکتر سید جلال موسوی خطیر مدیرکل دفتر تدوین اسناد شورا عالی انقلاب فرهنگی، این جلسه به شرح بندهای مختلف مصوبه این شورا و تلاش‌های این نهاد برای تدوین مصوبه مذکور گذشت و مهم‌ترین نکته مطرح شده حذف کنکور سراسری در یک دوره پنج ساله بود.

- مصاحبه دبیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده روانشناسی در این زمینه با خبرگزاری تسنیم، در این مصاحبه به نظام سنجش مطلوب و مزایا و معایب مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره شد.



جهت کسب اطلاعات بیشتر بر روی آیکون‌های زیر کلیک کنید:



کلام امام

دانشگاه اگر در خدمت انقلاب باشد از خیلی از قشرهای دیگر تأثیرش بیشتر است. همه جوانند، کم‌تعلقند، آماده به کارند، ذهن فعالی دارند، فهیمند اینها خیلی نکات مهمی است؛ بعد هم بر روی محیط جامعه تأثیر دارند.

۱۳۹۶/۳/۱۷